

جدال با خدا



پاپ اعظم با اشاره به قرائت اولین کتاب سموئیل ۱: ۹-۲۰، که در آن شخصیت‌هایی به چشم می‌خورند، حنا، عیلی کاهن و خداوند. حنا، همراه با خانواده خویش، با شوهر خویش هر ساله به معبد برای پرستش خدا میرفت. او زنی بود معتقد، دلسوز و پر از ایمان بود، ولی صلیبی را بر دوش خود حمل مینمود که او را سخت میرنجانید، زیرا بچه دار نمیشد؛ "خواست او یک فرزند بود". تشریح دعای حنا نشان می‌دهد بدان گونه « به نظر میرسد که با خدا جدال می‌نماید»، با طولانی کردن درخواست خویش، با روح مشوش و گریه بی‌وقفه. دعایی که در نهایت به یک نذر منتهی می‌گردد « ای یهوه صبا یوت، اگر

به مصیبت کنیز خود نظر کرده، مرا بیاد آوری و کنیزک خود را فراموش نکرده اولاد ذکوری به کنیز خود عطا فرمایی، او را تمامی ایام عمرش به خداوند خواهم داد»، با فروتنی تمام، همانطور که پاپ اعظم در ادامه فرمودند، خود را ناچیز و کنیز دانسته، نذر کرد تا پسر خود را بدو ببخشد.

بنابراین حنا، همه چیز را برای رسیدن به هدف خویش فدا نمود. اصرار او نظر کاهن سالخورده معبد را که به لبان او که تکان می‌خورند خیره گشته بود، به خود جلب می‌کند. حنا، بنابراین، در قلب خویش دعا می‌نمود، فقط لبان او تکان می‌خورند بدون اینکه صدایی از او شنیده شود. این تصویری بسیار عمیق است که کتاب مقدس به ما می‌بخشد، زیرا، شجاعت یک زن با ایمان مملو از رنج، با چشمان اشک آلود را بیان میکند که طلب شفاعت خدا را می‌نماید.

در این راستا، عالیجناب فرانسیس می‌فرمایند: در کلیسا زنان با ایمان بسیاری هستند که برای دعا می‌روند بدین گونه به نظر میرسد که برای شرط بندی می‌روند. برای مثال قدیسه مونیکا مادر قدیس آگوستین، با اشکان خود توانست شفقت تغییر درونی پسر خود را از خدا دریافت نماید.

در این قسمت از سخنان، عالیجناب فرانسیس به شخصیت عیلی کاهن معبد اشاره نمود، که مردی بینوا بود، با بیان اینکه علاقه‌ی خاصی نسبت به او دارم چراکه، در من نیز کبودها و ایرادات هستند که مرا با او همدرد میکنند و باعث میشوند او را بهتر درک نمایم.

این کاهن پیر « تحت تاثیر شرایط زندگی دلسرد در تعهد خود گردیده بود، زیرا نمیتوانست پسران خویش را که آنها نیز کاهن بودند اما زندگی مجرمانه داشتند، متوقف نماید» آنها از مردم سوءاستفاده میکردند. عیلی، خلاصه مردی بود ناتوان و بینوا و برای همین قدرت درک نیاز قلبی از زن را نداشت و به خاطر همین با دیدن لبه‌های او که تکان می‌خوردند، و رنجور و پریشان خاطر است، در خود فکر نمود این زن در مشروب زیاده روی کرده است. این رخداد درسی برای ما یاد میدهد: چقدر به آسانی ما بر دیگران قضاوت می‌نماییم؟ چند بار در خود این شجاعت را به خرج نمی‌دهیم بپرسیم: در قلب او چه می‌گذرد؟ من نمیدانم، اما چیزی نمی‌گویم. وقتی در قلب خود ترحمی وجود نداشته باشد، همیشه به اشتباه فکر می‌کنیم، قضاوت غلط می‌کنیم، شاید برای توجیه خودمان.

درک نادرست عیلی به نحوی است که در آخر به او می‌گوید: تا کی میخواهی به این مستی ادامه دهی؟ ولی برعکس زن به او پاسخ می‌دهد: « خیر آقای من». حنا، هر چند از وضعیت آنچه پسران او انجام میدادند اطلاع داشت، او را مؤاخذه ننمود که، پسران تو چه کارها انجام می‌دهند؟ ولی برعکس درباره خود توضیح می‌دهد: « من زنی هستم رنجیده و هیچ شراب یا مشروب دیگری بر لب نزده‌ام، بلکه آنچه در دل دارم را با خداوند در میان می‌گذارم. کنیز خود را زنی بد کاره مشمار، زیرا تا به حال زیادی درد و رنجی که متحمل هستم مرا به صحبت وا داشته است».

با این سخنان عالیجناب پاپ فرانسیس « به دعای همراه با درد رنج حنا اشاره نمود که چگونه آنها را با خداوند در میان می‌گذارد. حنا در آن، مسیح را برای ما یاد آور میشود، در واقع، این همان شرایطی است که عیسی در باغ جتسیمانی تجربه نمود، زمانیکه آنقدر پریشان گشته بود که عرق او تبدیل به خون گردید، و خداوند را مؤاخذه نمود « پدر اگر اراده توست این جام را از من دور کن،..... خواست تو انجام شود» (لوقا ۲۲: ۴۴)، بلکه، عیسی نیز با همان شیوه این زن پاسخ داد؛ یعنی فروتنی».

دعا کلیسا را تغییر می‌دهد: این ما نیستیم، پاپ‌ها، اسقف‌ها، کشیشان و راهب و راهبه‌ها که کلیسا را به جلو میرانیم بلکه، مقدسین. مقدسین همانند این زن روایت کتاب مقدس، مقدسین آنانی هستند که شجاعت این را دارند تا به خدا ایمان آورند که قادر مطلق و تواناست. از این روست که باید استغاثه از پدر نمود، تا اینکه شفقت اعتماد در دعا را به ما عطا نماید، تا با شجاعت و اعتماد به نفس و بیدار نگاه داشتن ترحم که بعضی وقت آن را از دست میدهیم، دعا نماییم، و همراه با قوم خدا برای دیدار با او پیش برویم.